

کورس مرگبار در شمال تهران

پسر جوان در جریان کورس خیابانی در شمال پاییخت دست به جنایت زد و بادختر مورد علاقه اش گریخت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، شامگاه سی و یکم اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری تجربیش باسازان غلامی، بازرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ پسر جوانی در بیمارستان شهدای تجربیش خبر داد. در ادامه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس رفته‌گاهی تهران برای بررسی ماجرا به بیمارستان رفتند که معلوم شد پسر جوان با ضربه چاقو که به گردش اصابت کرده به قتل رسیده و مدارکی برای مشخص شدن هویتش وجود ندارد. پرونده‌ای در شعبه سوم بازرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. در تحقیقات بعدی مشخص شد

A portrait photograph of General Qassem Soleimani, Commander-in-Chief of the Quds Force. He is wearing a dark military uniform with a high collar and a red star insignia. He has short, light-colored hair and is looking slightly to his left. In front of him is a blue microphone with a white logo.

دادستان شهرستان زاهدان با دادستانی مشهد، صبح چهارشنبه عامل انتشار این مطالب توهین آمیز را به همکاری پلیس فتای خراسان رضوی دستگیر کردند. متهم، ۵ ساله در بازجویی‌ها ضمن ابراز پشیمانی از عمل خود بیان کرد، قصد توهین به مقدسات را نداشت و کارش برای خودنمایی بوده است.

صفحه شخصی توبیتر مطالبی همسو با معاندان نظام علیه مقدسات دینی اهل سنت منتشر کرده و سعی در تحریف و تشویش افکار عمومی داشته است. ماموران خدمات تخصصی خود را برای شناسایی عامل انتشار این مطالب توهین آمیز آغاز و بررسی های فنی و اطلاعاتی اورادر شهر مشهد روزی کردند. ماموران با هماهنگی

دستگیری عامل توهین به مقدسات اهل سنت

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از دستگیری عامل انتشار مطالب نوھین آمیز به مقدسات دینی اهل سنت در فضای مجازی خبرداد.
سردار محمد قنبری در این باره به جام جم گفت: در پی رصد و یا پیش رو زانه کارشناسان بلیس فتای سیستان و بلوچستان مشخص شد شخصی با ایجاد



پشت صحنه یک جنایت

بذرکینه‌را در دل فرزندان نکاریم

متهم برای پایان
دادن به اختلاف
پدر و عمویش
سناریوی قتل
عمویش راطراحت
واحکاید

پشت پرده آن انگیزه‌های متفاوتی نهفته است. کاهی فرد به خاطر مسائل مالی، ناموسی، خیانت و... دست به قتل می‌زند گاهی یک خشم‌آمیز کینه فروخورده باعث قتل می‌شود. در این پرونده پسری جوان متهم به قتل عمومی شده و به جای این که سال‌های جوانی اش را با کار و زندگی گره بزند به زندان و کابوس قصاص گره زده است. وی به خاطر اختلافی که پدرش بر سر ارشیه با عمومیش داشت، تصمیم می‌گیرد از عمومیش انتقام بگیرد و خود را این چنین گرفتاری می‌کند.

والدین در صورتی که به مشکلی برمی‌خورند، بهتر است فرزندان خود را زیاد در گیر نکنند. آهابه خاطر هیجانات نوجوانی و جوانی و برای هواخواهی از پدربار یا مادر شان دست به اقدام‌های خطناک مثل قتل می‌زنند.

در این پرونده، متهم ابتدا توجه اختلاف پدر و عمومیش می‌شود بعد با بدرفتاری‌های مقتول با خانواده‌اش روبرو شده و تصور می‌کند حالا با قتل عمومیش می‌تواند به این وضع پایان دهد. اوزمانی که تصمیم به این کار می‌گیرد، به عاقبت کار فکر نمی‌کند.

بارها هشدار داده ایم، خانواده‌ها باید روش‌های کنترل خشم و تصمیم‌گیری در حالت عصبانیت را به فرزندان خود آموختند و آنها را درباره عاقبت اقدامات خود سرانه آگاه کنند.

می خواستم تنبیه اش کنم اما مرد!

دخت وکوب پسر جوان که عمومیش را به قتل رساند



```

graph TD
    A[عمو و برادرزاده بودندو هر بار که پسر جوان به خانه عمومیش دریکی از محله های مرکزی شهر کرج می رفت و متوجه بدرفتاری های او با خانواده می شد، کینه و نفرتش نسبت بد وی بیشتر می شد. از سوی عمو با پدرش بر سر از تهمه اختلاف داشتند و همین کینه را در دلش بیشتر شعله مور می کرد. سرانجام هم به خاطر این کینه، مرتكب قتل عمومیش شد. در پشت صحنه یک جنایت! این هفته به بررسی این پرونده پرداختیم و پای صحبت های قاتل نشستیم که در ادامه
  
```

به گزارش خبرنگار جام جم، بیست و نهم فوریه دین ۹۸ پلیس کرج در تماس زن که می‌گفت شوهر میانسال اش در خانه‌شان به قتل رسیده، رهسپار محل قتل شده و دیدند مرد خانواده بر اثر ضربه‌های جسم سخت فوت شده و جسدش روی مبلمان اتاق نشیمن افتاده است. با دستور بازپرس ابراهیم مرادی ماموران ابتدا از خترو همسر مقتول که در خانه بودند تحقیق کردند که آنها گفتند بعد از خرید وقتی به خانه بازگشته‌اند، صدای فریاد شنیده و زمانی که به طبقه اول رفته‌اند با جسد پدر خانواده روبرو شدند اما از قاتل خبری نبود. وسایل خانه به هم ریخته نبود. قاتل به راحتی وارد خانه شده و پول و وسیله‌ای از آجgas سقت نشده بود. تحقیقات نشان می‌داد مقتول فرد بداخلی بوده و همیشه خانواده‌اش را ایش می‌کرده و آنها را فشاری شده سنته آمدند. به همین دلیل زن مقتول و سر وی بازداشت

شده و در تحقیقات گفتند، با پدر خانواده اختلاف داشته اند اما اقاتل نیستند و گمان می کنند برادرزاده مقتول به نام شهاب مرتكب قتل شده باشد. بنابراین شهاب نیز بازداشت و به قتل اعترف کرد و دو عصو خانواده مقتول آزاد شدند. برادرزاده مقتول بعد از ایساس از صحنه قتل روانه زندان شد و با پایان گرفتن تحقیقات قضایی، قرار است به وزدی در دادگاه محکمه شود.

عمویم با خانواده‌اش بدرفتاری می‌کرد

شهاب فکر نمی‌کرد روزی قربانی بذر کینه شده و عمومیش را بکشد و اکنون در زندان عقریبه‌های ساعت را تاروز محاکمه دنبال کند. یک سال بعد از جنایت، پای صحبت‌های او نشستیم که در

قبل از زندان چه کاره بودی؟
در یک شرکت شکلات‌سازی کارمی‌کردم.
با عمویت اختلاف داشتی؟
من نه، اما او با پدرم بر سر ارشیه خانوادگی
اختلاف داشت و دامنه این اختلاف بذرگینه را
در دلم کاشت. علاوه بر آن وقتی به خانه‌شان
می‌رفتم و یا در دل خانواده‌اش می‌نشستم

خونآلود را در سطل زباله انداختم. ترسیده
بودم و وقتی به خانه بازگشتم تا أصبح بیدار
بودم،

﴿چطور بازداشت شدی؟﴾

روز بعد از قتل، زن عمومی و پسرش برای
تحقیقات به اداره پلیس رفتند که همراهشان
رفتمن تاسر و گوشی آب دهم که همانجا پلیس
به من شک کرد و بازداشت شدم و گفتم قاتل
هستم و آنها آزاد شدند.

﴿چه سرنوشتی در انتظارت است؟﴾

پشیمانم و نمی دانم مرامی بخشند یا قصاص
می شوم. اختلاف های خانواده ام با عمویم و
کینه ای که از اور دلم کاشتند باعث شد دست
به قتل عمویم بزنم.﴾

برای قتل به خانه اش رفتم که با طلبکارش دعوا بیش شد و در اجرای نقشه ناکام ماند. شب بعد دوباره به آنچه رفتتم و نقشه را ال جرا کردم تا همه فکر کنند قاتل، مرد طلبکار است.

آن شب چه اتفاقی افتاد؟

شب جنایت در حوالی خانه عمومیم پرسه زدم و زمانی که زن عموم و دخترش وارد ساختمان شدند. متوجه شدم در بسته نشده و وارد شدم. میله آهنی همراه بود؛ سرو صورتمن را با پارچه بستم و وارد خانه شدم. صدای اعصابی خانواده از طبقه بالا می آمد و عمومیم روی مبل طبقه اول نشسته بود. کم کم به عمومیم نزدیک شدم و با میله آهنی چند ضربه به او زدم که صدای بیش خاموش شد و فرار کرد. بعد میله

قسمی برای بیگناهی

زن جوان که از پنج سال قبل به اتهام قتل شوهرش در زندان است در دادگاه قسم خورد که قاتل نیست.
به گزارش خبرنگار جام جم، دوم فوریه ۹۴ همسایه‌های ناصر، با سروصدای همسرا و به خانه‌اش رفتند و ناصر را در حالی که وسط قفسه سینه‌اش چاقو خورده و به شدت مجرح شده بود، در پذیرایی خانه‌اش در محله عبدالآباد دیدند و او را اسنان را خبر کردند. اما ناصر لحظاتی بعد از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد و با توجه به مشکوک بودن ماجرا، فرشته به عنوان مظنون به قتل ناصر بازداشت شد و خانواده ناصر هم ازاو به اتهام قتل شکایت کردند و اظهار کردن ناصر و فرشته از قبل باهم اختلافاتی داشته‌اند.

زن جوان هرگز به قتل همسرش اقرار نکرد و ادعا کرد ناصر به دلیل فشار روحی اقدام به خودکشی کرده است، اما نظریه پژوهی قانونی با توجه به وجود خراسیدگی روی دست و صورت مقتول و تجوه اصابت ضربه، دیگر کشی رامحتمل می‌دانست.

پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و قضات دادگاه به قسامه حکم کردند و با توجه به این که اولیای دم نتوانستند ۵ نفر برای قسم خوردن به دادگاه معرفی کنند روز گذشته متهم بار دیگر پای میز محکمه رفت.

در ابتدای جلسه رسیدگی اولیای دم یعنی مادر مقتول و خواهر و برادران اوه عنوان ورثه پدرشان، بار دیگر تقاضای قصاص متهم را کردند. سپس فرشته در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت: «اتهام قتل را قبول ندارم، پون همسرم خودکشی کرد. او اعتیاد داشت و همین باعث شد حالت افسردگی داشته باشد. روز حادثه قرار بود باهم برای عروسی یکی از اقوام من به شهرستان برویم، اما سر صحبا نهاد بودیم که ناصر نداشتن کره را بهانه کرد و استکان چای را پرتاب کرد و دعوا ایمان شد و گفت عروسی نمی‌آید. من خواستم به برادرم زنگ بزنم و بگوییم ما به شهرستان نمی‌آییم که موهایم را کشید و گوشی را از دستم گرفت. همان موقع بود که دست و صورتش را خراشیدم. بعد که راهیم کرد یک دفعه از اشپزخانه چاقویی برداشت و به سینه خودش فروکرد. من برای کمک به او چاقو را بیرون کشیدم».

قضات دادگاه بعد از شنبیدن دفاعیات متهم ازاو خواستند هنگام اذان ظهر و ضو بگیرد و قسم بخورد که قتل شوهرش کار او نیست و متهم همین کار را کرد.

رای پرونده بعد از مشورت هیات قضات صادر خواهد شد.

سناپیوی آتشن برای قتل همسر

ستاریوی مرد جوان برای مخفی کردن راز قتل همسرش نتیجه نداد و با اعترافات
و سؤاستانش را زاین جنایت پس از هشت ماه فاش شد.
گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از هشتم شهریور ۹۸
س از گزارش ناپدید شدن زن جوانی در پیشوا آغاز شد. بررسی‌های پلیسی در این
بطه ادامه داشت تا این که شش روز بعد کشف جسد سوخته زنی در بیابان‌های
لطف دانشگاه پیشوا به پلیس گزارش شد. تیمی از ماموران راهی محل کشف
شد و متوجه شدن این زن در خودروی پرایدی به قتل رسیده و قاتل برای
آن که ردی از خود باقی نگذارد، خودرو و جسد را به آتش کشیده است.
اموران با استعلام پلاک خودرو دریافتند، خودرو متعلق به زن ناپدید شده است که
انواده‌اش با مراجعه به پزشکی قانونی جسد را شناسایی کردند.
راگاهان سراغ همسر مقتول رفتند که مشخص شد، هشتم شهریور به خاطر
براندازی و مجروح کردن دو نفر توسط پلیس امنیت دستگیر و روانه زندان شده
بود. مرد جوان به پلیس آگاهی منتقل و در تحقیقات منکر هرگونه اطلاعی از قتل
همسرش شد و گفت: روزی که دستگیر شدم، همسرم زنده بود و نمی‌دانم چه
تفاق برای اورخ داده است.
تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این که بعد از هشت ماه، ماموران به سرخ‌های
رسیدند که روز قتل همسر مقتول با دو نفر از دوستانش تماس داشته است. این
و نفر دستگیر شده و در تحقیقات راز قتل رفاقت کردند. آنها مدعی شدند: روز
باده همسر مقتول به مازنگ زد و خواست به حوالی دانشگاه پیشوا برویم. وقتی
آنها رسیده هملا خود را نداشتند، آنها شدید دیدند و شدید اعاده کردند.

معمای سقوط مرگبار

سیده هدیه شد

زن جوان که شوهرش وزن مهمان در جشن شبانه خانه شان در غرب تهران قریانی سقوط مرگبار شده بودند خودکشی کرد. پژوهشکان در تلاش برای نجات او هستند. به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، شامگاه پنجم خرداد امسال زن و مرد جوانی به فاصله پنج دقیقه از یکدیگر از تراس طبقه چهارم ساختمانی در غرب تهران به پایین سقوط کرده و فوت شدند. با دستور بازپرس مصطفی واحدی، تحقیقات آغاز و زن صاحبخانه به عنوان مظنون بازداشت شد.

وی در تحقیقات پلیسی مدعی شد که آن شب علاوه بر نامزد خودش، زن فوت شده و نامزدش و دو خدتر دیگر مهمان خانه بودند که سه مرد که خودشان را پلیس معرفی کرده و سلاح و شوکر داشتند وارد خانه آهشان شده و نامزد او را همراه زن مهمان به آناتق دیگر منتقل کردند که بعد از سقوط، همه فرار کردند. این زن در جریان تحقیقات بیوهش و به بیمارستان منتقل شد و پژوهشکان گفتند که او قبل از دستگیری قرص هایی به قصد خودکشی خوردند.

دیروز مدیر خوابگاهی که زن فوت شده در آنجامی ماند، همراه خانواده دو قریانی در شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران حاضر شدند. نامزد زن فوت شده به بازپرس جنایی گفت: هفت سال پیش در دانشگاه تبریز درس می خواندم که از طریق یکی از اقوام بادختر فوت شده آشنا شدم که دانشجوی رشته برق بود. بعد از مدتی با او نامزد کردم. شرکت تجهیزات پزشکی دارم و قرار بود بعد از گرفتن مدرک دکترا ازدواج کنیم. او به تهران آمد تا دوره تجهیزات پزشکی را آموخت بینند. کافی شاپی راه اندازی کرده و نامزدم حسابدار آنچا بود. او بعد از شیوع کرونا نزد خانواده اش رفت و هفت روز قبل به تهران آمد. روز حادثه من در مهمانی نبودم و از زن صاحبخانه شکایت دارم.

مادر مرد فوت شده نیز در تحقیقات قضایی گفت: خانه متعلق به عروس مان بود. قرار بود به زودی جشن عروسی شان را برگزار کنند. عصر نامزدش او را برای مهمانی دعوت کرد که آنها رفت و قرار بود شب بازگردد که نیامد و فهمیدیم او وزن غیریه ای از تراس پرت شده و فوت کردن. از عروسمن شاکی هستیم.

تحقیقات پلیسی در حالی ادامه دارد که تنها مظنون پرونده در بیمارستان بستری و با مرگ دست و پنجه نم می کند.